

بسم الله الرحمن الرحيم

همه سوال های

دکترای زبان و ادبیات عرب

علوم بلاغی

(معانی بیان بدیع)

پیشرفته

۱۳۹۲-۱۴۰۴

تألیف و تدوین

گروه مولفین پردازش

فهرست مطالب

مقدمه

مقدمه تحلیلی

جدول فراوانی موضوعی سوالات دکتری

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۳۹۲

۷ علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

۹ پاسخ نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۳۹۳

۱۱ علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

۱۳ پاسخ نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۳۹۴

۱۴ علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

۱۵ پاسخ نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۳۹۵

۱۶ علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

۱۸ پاسخ نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۳۹۶

۲۱ علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

۲۳ پاسخ نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۳۹۷

۲۴ علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

۲۶ پاسخ نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۳۹۸

۲۷ علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

۲۹ پاسخ نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۳۹۹

۳۲ علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

۳۴ پاسخ نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۴۰۰

۳۷ علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

۳۹ پاسخ نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۴۰۱

۴۴ علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

۴۶ پاسخ نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۴۰۲

۵۰ علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

۵۲ پاسخ نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۴۰۳

۵۶ علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

۵۸ پاسخ نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۴۰۴

۶۵	علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....
۶۷	پاسخ‌نامه علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع).....
۷۵	پیوست ها
۷۷	درسنامه جامع (براساس پاسخنامه ها).....
۱۰۱	تست های تالیفی با احتمال بسیار زیاد تکرار
۲۱۳	معرفی اجمالی شخصیت ها و موضوعات تخصصی و منابع کلیدی.....
۲۱۵	فرهنگ اصطلاحات تخصصی علوم بلاغت
۲۲۳	فهرست تحلیلی = موضوعی (نمایه).....
۲۲۷	فهرست منابع

مقدمه: از تحلیل عمیق تا شبیه‌سازی هوشمندانه؛ نقشه راه جامع آزمون دکترای علوم بلاغی

داوطلب فرهیخته و پژوهشگر ارجمند

ورود به آزمون دکترای تخصصی (Ph.D)، گذار از «دانش توصیفی» به «بینش تحلیلی» است. در این آوردگاه علمی، درس «علوم بلاغی» از سنجش حافظه‌محور و شناسایی صرف صنایع، به عرصه‌ی «تحلیل انتقادی»، «درک عمیق مسائل اختلافی» و «تسلط بر فلسفه‌ی بلاغت» بدل می‌شود. چالش در اینجا، دیگر «دانستن» قواعد نیست، بلکه «توانایی استدلال» بر پایه‌ی آراء نحویان و بلاغیون بزرگی چون جرجانی، سکاکی و تفتازانی است.

موفقیت در چنین آزمونی، نیازمند ابزاری است که همگام با این سطح از پیچیدگی باشد؛ ابزاری که نه تنها گذشته را کالبدشکافی کند، بلکه با هوشمندی، مسیر آینده را نیز پیش‌بینی نماید. مجموعه‌ی شگفت‌انگیزی که پیش رو دارید، دقیقاً با همین هدف و به عنوان کامل‌ترین «سیستم جامع یادگیری و شبیه‌سازی» برای آزمون دکترای علوم بلاغی تدوین گردیده است.

گنجینه آزمون: کالبدشکافی تحلیلی آزمون‌ها (۱۴۰۴-۱۳۹۱)

هسته‌ی مرکزی این اثر، آرشیو کامل و دقیق آزمون‌های دکتری از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۴ است. اما ارزش راستین این بخش، در «پاسخنامه‌های جامع و تحلیلی» آن نهفته است. برخلاف پاسخ‌های کلیدی رایج، در این مجموعه (به‌ویژه در پنج سال اخیر ۱۴۰۴-۱۴۰۰)، هر سؤال به یک فرصت یادگیری عمیق تبدیل شده است:

۱. تبیین گزینه صحیح: با استناد دقیق به منابع مرجع (مانند *جواهر البلاغة*، مختصر و مطول)، علت درستی گزینه به‌روشنی تشریح می‌شود.
۲. واکاوی گزینه‌های انحرافی: دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها، که اغلب ظریف‌ترین دام‌های تستی آزمون دکتری هستند، به‌دقت واکاوی و نقد می‌گردد.
۳. نکات کلیدی و تکمیلی: مفاهیم مرتبط با هر تست، ریشه‌های نظری بحث و آراء صاحب‌نظران، جهت عمق بخشیدن به یادگیری ارائه شده است.

نوآوری بی‌همتا (۱): درسنامه جامع؛ عصاره‌ی هوشمند آزمون

ویژگی منحصربه‌فردی که این مجموعه را به اثری بی‌بدیل تبدیل می‌کند، «درسنامه جامع» آن است. این درسنامه، خلاصه‌ای رایج از کتب مرجع نیست؛ بلکه برآیندی هوشمندانه از تحلیل دقیق همین پاسخنامه‌ها و انطباق آن با مباحث پرتکرار و سرفصل‌های مصوب است.

به عبارت دیگر، این درسنامه با رویکرد «مهندسی معکوس» تدوین یافته است؛ یعنی مستقیماً بر مباحث، نظریه‌ها و شواهد مثال (آیات و ابیات) تمرکز دارد که طراحان آزمون دکتری در طول یک دهه گذشته، همواره بر آن‌ها تأکید ورزیده‌اند. این رویکرد، شکاف عمیق میان گستردگی منابع کلاسیک و نیاز متمرکز داوطلب آزمون را پر می‌کند و مطالعه‌ای کاملاً هدفمند، بهینه و آزمون‌محور را تضمین می‌نماید.

نوآوری شگفت‌انگیز (۲): سؤالات تألیفی؛ پیش‌بینی آزمون آینده

نقطه‌ی اوج و نهایت آرزوی هر داوطلب آزمون دکتری، در بخش گران‌بهای «سؤالات تألیفی شبیه‌سازی‌شده» این مجموعه تجلی یافته است. این بخش، حاصل نهایی و چکیده‌ی تحلیل عمیق ده‌ها دوره آزمون و تسلط بر منطق طراحان است. این سؤالات که با احتمال قریب به یقین، بازتابی دقیق از چالش‌های مفهومی و انتقادی آزمون‌های آتی خواهند بود، با هدف شبیه‌سازی محتمل‌ترین سبک سؤالات طراحی شده‌اند. تسلط بر این بخش، شما را از یک «پاسخ‌دهنده به گذشته» به یک «استراتژیست پیش‌بینی‌کننده‌ی آزمون آینده» بدل می‌سازد و آمادگی شما را به سطحی فراتر از رقبا ارتقا می‌دهد.

پیوست‌های ارزشمند: جعبه‌ابزار راهبردی داوطلب

برای تکمیل این سیستم جامع، مجموعه‌ای از پیوست‌های بسیار کاربردی نیز تدوین گردیده است:

- معرفی شخصیت‌ها: شناخت‌نامه‌ی بلاغیون و نحویون برجسته که آراء آن‌ها مبنای سؤالات مفهومی است.
- اشتباهات متداول: مروری بر دام‌های تستی رایج و اشتباهات مفهومی داوطلبان.
- فرهنگ تخصصی واژگان: واژه‌نامه‌ای کاربردی برای درک دقیق اصطلاحات کلیدی بلاغی.

- **فهرست تحلیلی-موضوعی (نماینه):** ابزاری قدرتمند برای بازیابی سریع تمام سؤالات مرتبط با یک موضوع خاص در سراسر کتاب، جهت مرور و تمرین متمرکز.

این مجموعه، با نگاهی جامع‌نگر و تحلیلی، و با ارائه ابزارهایی نوآورانه، شما را از یک داوطلب منفعل به یک **استراتژیست فعال** در مسیر آمادگی آزمون دکتری تبدیل خواهد کرد. هدف غایی این اثر، نه انباشت اطلاعات، بلکه پرورش **بینش تحلیلی** و **مهارت استدلال بلاغی** است تا با اطمینان و اقتدار کامل، در این آزمون سرنوشت‌ساز به موفقیت دست یابید.

با آرزوی درخشش شما در این مسیر علمی
گروه مؤلفین



تحلیل جامع و نقشه راه مطالعه برای آزمون دکترای علوم بلاغی

۱. مقدمه تحلیلی بر روند کلی آزمون‌ها

- تحلیل رویکرد کلی طراحان: بررسی سوالات سال‌های اخیر نشان می‌دهد که رویکرد طراحان از سنجش دانش صرفاً حفظی به سمت ارزیابی قدرت تحلیل و درک عمیق مفاهیم بلاغی تغییر کرده است. سوالات، بیش از آنکه تعاریف را مستقیماً بپرسند، کاربرد آن مفاهیم را در نمونه‌های پیچیده (آیات قرآن و ابیات شعر عربی) مورد سنجش قرار می‌دهند.
- تغییر در سبک سوالات: حرکت به سمت سوالات مفهومی، تحلیلی و مقایسه‌ای کاملاً مشهود است. قالب‌های پرتکراری مانند «عین الخطأ» (گزینه نادرست را مشخص کنید) داوطلب را وادار به تحلیل و ارزیابی دقیق هر چهار گزینه می‌کند که نیازمند تسلط کامل بر مباحث است. به ندرت سوالی صرفاً با حفظ کردن یک تعریف قابل پاسخگویی است.
- فلسفه و هدف اصلی آزمون: آزمون دکترای بلاغت بیش از هر چیز به دنبال سنجش مهارت‌های زیر در داوطلب است:
 - قدرت تحلیل بلاغی: توانایی تجزیه و تحلیل یک متن (آیه یا بیت) و استخراج دقیق آرایه‌ها و ساختارهای بلاغی و مهم‌تر از آن، درک «غرض بلاغی» (هدف هنری) پشت هر انتخاب زبانی.
 - دانش مفهومی عمیق: درک تفاوت‌های ظریف میان اصطلاحات نزدیک به هم (مانند انواع قصر، اقسام استعاره، یا تفاوت مجاز عقلی و استعاره مکنیه).
 - توانایی تطبیق نظریه بر متن: پیوند دادن دانش نظری بلاغت با مصادیق عملی و کاربردی در متون اصیل عربی.
 - دقت و سرعت عمل: به خصوص در سوالات «عین الخطأ» و سوالات عروض که نیازمند دقت بالا در کنار سرعت مناسب برای مدیریت زمان هستند.

۲. شناسایی مباحث و دروس کلیدی (پرتکرار و پراهمیت)

بر اساس جدول فراوانی و تحلیل محتوای سوالات، اولویت و نقاط تمرکز اصلی به شرح زیر است:

- اولویت اول: علم المعانی
 - نقطه تمرکز اصلی: «احوال ارکان جمله»، به ویژه مبحث «تقدیم و تأخیر» که پربسامدترین موضوع آزمون است. داوطلبان باید بر اغراض بلاغی انواع تقدیم (تقدیم مسند، مسندالیه، و متعلقات فعل) تسلط کامل داشته باشند.
 - نقطه تمرکز دوم: «خبر و انشاء»، با تأکید بر «اغراض ثانویه اسالیب انشایی» (به خصوص استفهام) و همچنین «اضرب خبر» و خروج کلام از مقتضای ظاهر.
 - نقطه تمرکز سوم: «قصر (حصر)» که یکی از کلیدی‌ترین و پرتکرارترین مباحث است و تسلط بر طرق و انواع آن ضروری است.
- اولویت دوم: علم البیان
 - نقطه تمرکز اصلی: «استعاره» با انواع و اقسام پیچیده آن (تصریحیه، مکنیه، اصلیه، تبعیه، مرشحیه، مجرده و...) محوری‌ترین مبحث این حوزه است.
 - نقطه تمرکز دوم: «تشبیه» و شناخت دقیق ارکان، انواع (تمثیل، ضمنی، مقلوب، ملفوف) و اغراض آن.
 - نقطه تمرکز سوم: «مجاز» و توانایی تفکیک میان مجاز مرسل (با علاقات مختلف) و مجاز عقلی.
- اولویت سوم: مباحث عمومی و علم البدیع
 - عروض و قافیه: این بخش نیازمند مهارت فنی در تقطیع و شناخت بحر و انواع قافیه است.
 - علم البدیع: سوالات این بخش پراکنده اما مفهومی هستند. تمرکز بیشتر بر روی محسنات معنوی مانند طباق، مقابله، توریه و استخدام است.

۳. تحلیل سبک و ساختار سوالات متداول

- قالب‌های رایج سوالات:
 - «عین الخطأ» (تشخیص گزینه نادرست): پرتکرارترین و چالش‌برانگیزترین قالب که نیازمند ارزیابی دقیق هر چهار گزینه است.

- «عین الصحیح» (تشخیص گزینه درست): این قالب نیز بر تحلیل عمیق استوار است.
- «تحلیل بلاغی یک ساختار خاص»: سوالاتی که چرایی یک انتخاب زبانی خاص در یک آیه یا بیت را می‌پرسند (مثلاً علت تقدیم، دلیل استفاده از جمله اسمیه، یا غرض از یک اسلوب انشایی).
- «مقایسه مفهومی»: سوالاتی که تفاوت معنایی دو ساختار بسیار نزدیک به هم را مورد سنجش قرار می‌دهند (مانند تفاوت «ما أنا فعلتُ» و «ما فعلتُ»).

• نمونه‌های ذهنی از سوالات پرتکرار:

- تقدیم و تأخیر: «در آیه شریفه (...نحن نرزقهم و إياکم)، علت بلاغی تقدیم «هم» بر «کم» چیست و این انتخاب زبانی چگونه با مقتضای حال مخاطب آیه هماهنگ است؟»
- استعاره: «بیت «وَ إِذَا الْمَنِيَّةُ اُنْشَبَتْ اُظْفَارَهَا» را تحلیل کرده و مشخص نمایید کدام نوع استعاره (مکنیه یا تخیلیه) در آن به کار رفته و قرینه آن چیست؟»
- قصر: «با توجه به آیه (إنما يتذكر أولوا الألباب)، مقصور و مقصورٌ علیه را مشخص کرده و توضیح دهید این قصر چگونه معنای «تعریض» (کنایه زدن) را القا می‌کند.»

۴. ارائه نقشه راه و استراتژی مطالعه

• ترتیب منطقی مطالعه دروس:

۱. پایه و اساس (علم المعانی): مطالعه را با علم معانی آغاز کنید. این علم، به منزله «دستور زبان پیشرفته بلاغت» است و فهم عمیق آن، پیش‌نیاز درک صحیح مباحث علم بیان و بدیع است.
۲. تصویرسازی و خیال (علم البیان): پس از تسلط بر ساختارهای معنایی، به سراغ علم بیان بروید تا بیاموزید چگونه آن ساختارها برای خلق تصویر و صور خیال به کار گرفته می‌شوند.
۳. آرایه‌ها و زیبایی‌شناسی (علم البدیع): این علم را به عنوان مرحله نهایی مطالعه نظری قرار دهید. آرایه‌های بدیعی اغلب پس از شکل‌گیری ساختار اصلی کلام به آن افزوده می‌شوند.
۴. مهارت‌های فنی (عروض و قافیه): این بخش را می‌توانید به صورت موازی با سایر دروس پیش ببرید، زیرا نیازمند تمرین مستمر و روزانه است.

• بهترین روش مطالعه برای هر مبحث:

- علم المعانی: نیازمند مطالعه مفهومی و عمیق است. صرفاً به حفظ تعاریف اکتفا نکنید. برای درک فلسفه هر مبحث (به خصوص تقدیم و تأخیر و فصل و وصل)، به منابع اصیل مانند «دلائل الإعجاز» جرجانی مراجعه کنید. حل تست‌های فراوان از این بخش برای درک نحوه کاربرد مفاهیم ضروری است.
- علم البیان: بیش از هر چیز نیازمند تمرین و تحلیل مثال‌های متعدد (حل مسئله) است. برای هر یک از انواع تشبیه، استعاره و کنایه، دفتری از شواهد قرآنی و شعری تهیه کرده و آن‌ها را تحلیل کنید. مقایسه میان مفاهیم نزدیک به هم (مانند استعاره مرشحه و مجرده) را تمرین کنید.
- علم البدیع و عروض: ترکیبی از حفظ کردن و تمرین است. تعاریف صنایع بدیعی و اوزان عروضی باید به خوبی به خاطر سپرده شوند و سپس با تحلیل و تقطیع ابیات متعدد، مهارت شناسایی آن‌ها را کسب کنید.

• برنامه پیشنهادی برای دوران جمع‌بندی:

۱. مرور موضوعی: به جای بازخوانی کامل منابع، به صورت موضوعی مرور کنید. مثلاً یک روز کامل را فقط به مبحث «قصر» اختصاص دهید و تمام نکات و تست‌های مربوط به آن را از منابع مختلف مطالعه کنید.
۲. آزمون‌های شبیه‌سازی شده: مجموعه سوالات سال‌های گذشته را در شرایط زمانی مشابه آزمون اصلی پاسخ دهید تا نقاط ضعف خود را شناسایی کنید.
۳. تحلیل دقیق خطاها: مهم‌ترین بخش جمع‌بندی، تحلیل آزمون‌هاست. با استفاده از پاسخنامه تشریحی کاملی که در اختیار دارید، علت هر پاسخ اشتباه را به دقت بررسی کنید. بفهمید که آیا مشکل از دانش، عدم دقت یا مدیریت زمان بوده است.
۴. خلاصه‌نویسی و یادداشت‌برداری: از مباحثی که در آن‌ها ضعف دارید یا نکات بسیار کلیدی، خلاصه‌هایی تهیه کرده و در روزهای منتهی به آزمون، صرفاً آن‌ها را مرور کنید.

شناسایی، دسته‌بندی و شمارش داده‌ها

۱. دسته‌بندی موضوعی سؤالات:

آزمون دکتری تفاوت ماهوی با آزمون ارشد دارد. سؤالات از سطح «شناسایی صنعت» به سطح «فلسفه بلاغت»، «نظریه‌پردازی» و «مسائل اختلافی» ارتقا یافته‌اند. بر این اساس، تمامی ۴۲۰ سؤال به پنج حوزه اصلی و سلسله‌مراتبی زیر تقسیم شده‌اند:

* حوزه ۱: نظریه بلاغی و نقد (آراء و مکاتب): مباحث بنیادین و فلسفی بلاغت، نظریات کلیدی (به‌ویژه نظریه نظم جرجانی)، و آراء اختلافی مکاتب و بلاغیون (جرجانی، سکاکی، تفتازانی).

* حوزه ۲: علم معانی (کاربرد پیشرفته): سؤالات کاربردی و مفهومی عمیق از مباحث خبر و انشاء، قصر، فصل و وصل، ایجاز و اطناب و...

* حوزه ۳: علم بیان (کاربرد پیشرفته): سؤالات تحلیلی تشبیه، استعاره، مجاز (عقلی و مرسل) و کنایه.

* حوزه ۴: علم بدیع: سؤالات شناسایی محسنات لفظی و معنوی.

* حوزه ۵: عروض و قافیه: سؤالات مربوط به بحر، زحافات، علل و قواعد قافیه.

۲. شمارش فراوانی موضوعی:

تعداد سؤالات هر مبحث به تفکیک سال شمارش و در جدول ۱ تجمیع گردیده است.

۳. شناسایی منبع سؤالات:

با بررسی سؤالات، مشخص می‌گردد که آزمون دکتری به‌شدت «منبع‌محور» و «شخصیت‌محور» است. بخش عمده و تعیین‌کننده آزمون (حوزه ۱) مستقیماً به آراء عبدالقاهر الجرجانی در دلائل الإعجاز و أسرار البلاغة و همچنین آراء تفتازانی در الموطول و المختصر بازمی‌گردد.

تدوین جداول مقایسه‌ای

جدول ۱: جدول فراوانی موضوعی سؤالات (۱۴۰۴-۱۳۹۱)

مبحث / سال	۹۱	۹۲	...	۱۴۰۳	۱۴۰۴	مجموع	درصد فراوانی
حوزه ۱: نظریه بلاغی و نقد (آراء و مکاتب)	(۹)	(۱۰)	...	(۱۰)	(۹)	۱۲۶	۳۰.۰٪
مبحث ۱.۱: نظریه نظم و آراء جرجانی	۴	۵	...	۴	۴	۶۰	۱۴.۳٪
مبحث ۱.۲: آراء سکاکی، تفتازانی و مسائل خلافیه	۵	۵	...	۶	۵	۶۶	۱۵.۷٪
حوزه ۲: علم معانی (کاربرد پیشرفته)	(۷)	(۷)	...	(۸)	(۷)	۹۸	۲۳.۳٪
مبحث ۲.۱: خبر و انشاء (اغراض ثانویه)	۳	۳	...	۳	۳	۴۰	۹.۵٪
مبحث ۲.۲: قصر، فصل و وصل، ایجاز و اطناب	۴	۴	...	۵	۴	۵۸	۱۳.۸٪
حوزه ۳: علم بیان (کاربرد پیشرفته)	(۶)	(۵)	...	(۵)	(۶)	۸۴	۲۰.۰٪
مبحث ۳.۱: استعاره (تحلیلی) و مجاز (عقلی)	۳	۲	...	۲	۳	۴۴	۱۰.۵٪
مبحث ۳.۲: تشبیه (عمیق) و کنایه	۳	۳	...	۳	۳	۴۰	۹.۵٪
حوزه ۴: علم بدیع	(۴)	(۴)	...	(۳)	(۴)	۵۶	۱۳.۳٪
مبحث ۴.۱: محسنات معنوی و لفظی	۴	۴	...	۳	۴	۵۶	۱۳.۳٪

مبحث / سال	۹۱	۹۲	...	۱۴۰۳	۱۴۰۴	مجموع	درصد فراوانی
حوزه ۵: عروض و قافیه	(۴)	(۴)	...	(۴)	(۴)	۵۶	۱۳.۳٪
مبحث ۵.۱: بحور، زحافات و علل	۴	۴	...	۴	۴	۵۶	۱۳.۳٪
مجموع سوالات سال	۳۰	۳۰	...	۳۰	۳۰	۴۲۰	۱۰۰٪

(توجه: اعداد داخل پرانتز و ستون‌های میانی (...)) نمایانگر توزیع تقریبی هستند. مجموع و درصد نهایی دقیقاً بر اساس شمارش فایل ارسالی است.)

جدول ۲: جدول فراوانی منابع (محورهای فکری) سوالات (۱۴۰۴-۱۳۹۱)

ردیف‌ها (کتب و منابع اصلی)	مجموع (تخمینی)	درصد اهمیت
آثار عبدالقاهر الجرجانی (دلائل الإعجاز و أسرار البلاغة)	۱۲۰~	۲۸.۵٪~
شروح تلخیص المفتاح (المطوّل و المختصر للتفتازانی)	۱۱۰~	۲۶.۲٪~
جواهر البلاغة (لأحمد الهاشمی) (برای شواهد و تعاریف پایه)	۸۴~	۲۰.۰٪~
کتب عروض و قافیه (مانند العروض الواضح)	۵۶~	۱۳.۳٪~
سایر منابع (مفتاح العلوم للسكاکی، البلاغة الواضحة و...)	۵۰~	۱۲.۰٪~
مجموع	۴۲۰	۱۰۰٪

گزارش تحلیلی و توصیه‌های راهبردی

۱. تحلیل روندها:

تحلیل جدول ۱ نشان‌دهنده یک جهش کیفی عظیم از آزمون کارشناسی ارشد به دکتری است. تمرکز از «شناسایی صنایع» (که اکنون فقط در بدیع و تا حدی بیان خلاصه شده) به «تحلیل فلسفه و نظریه بلاغت» منتقل شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، «نظریه بلاغی و نقد» (۳۰٪) به تنهایی پرتکرارترین حوزه است. این نشان می‌دهد که طراحان به دنبال سنجش داوطلبانی هستند که بر آراء نظریه‌پردازان کلیدی (به‌ویژه جرجانی و تفتازانی) تسلط دارند. همچنین، حضور ثابت مبحث «عروض و قافیه» (۱۳.۳٪)، آن را به یک بخش غیرقابل حذف و بسیار مهم تبدیل کرده است.

۲. معرفی مباحث کلیدی:

- * نظریه بلاغی و آراء (۳۰٪): مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین بخش آزمون. تسلط بر «نظریه نظم» جرجانی و تمایز دقیق آراء جرجانی، سکاکی و تفتازانی در مباحث کلیدی (مانند مجاز، استعاره،...) حیاتی است.
- * علم معانی (۲۳.۳٪): دومین حوزه مهم که سؤالات آن نیز عمیقاً مفهومی و مبتنی بر شروح تفتازانی است.
- * علم بیان (۲۰٪): اهمیت این بخش همچنان بالاست، اما سؤالات آن نیز از شناسایی ساده فراتر رفته و به تحلیل‌های عمیق (مانند نقش استعاره در نظریه نظم) کشیده شده است.
- * عروض و قافیه (۱۳.۳٪): این مبحث به دلیل فنی بودن و داشتن سؤالات ثابت، یک بخش کلیدی برای کسب نمره تضمین‌شده است.

۳. ارزیابی اهمیت منابع:

- * اولویت اول (منابع نظری): «دلائل الإعجاز» و «أسرار البلاغة» عبدالقاهر جرجانی. این دو کتاب، روح آزمون دکتری هستند.

* اولویت دوم (منابع تحلیلی-تطبیقی): «المطوّل» و «مختصر المعانی» تفتازانی. این منابع، مرجع اصلی سؤالات اختلافی و مفهومی علم معانی و بیان هستند.

* اولویت سوم (منابع پایه): «جواهر البلاغة» برای مرور تعاریف پایه و شواهد مثال رایج، و یک کتاب تخصصی در «عروض و قافیه».

۴. توصیه‌های راهبردی:
* تغییر رویکرد مطالعه: از «حفظ صنعت» به «درک نظریه» شیفت کنید. به جای پرسیدن «این صنعت چیست؟»، بپرسید «عبدالقاهر جرجانی در مورد این ساختار چه می‌گوید؟».

* استفاده از درسنامه و تست تألیفی: با توجه به اینکه آزمون دکتری، آزمون «آراء» است، درسنامه جامع این مجموعه که بر اساس همین آراء و سرفصل‌ها تدوین شده، بهترین نقطه شروع است. سؤالات تألیفی نیز ذهن شما را برای سبک سؤالات مفهومی و اختلافی آماده می‌سازد.

* تمرکز ویژه بر جرجانی: هیچ مبحثی به اندازه تسلط بر «نظریه نظم» جرجانی در آزمون دکتری اهمیت ندارد.

* عروض را جدی بگیرید: بخش عروض و قافیه، فنی‌ترین و در عین حال قابل پیش‌بینی‌ترین بخش آزمون است. تسلط بر آن می‌تواند نمره شما را به طور قابل توجهی تضمین کند.

دانش



نقشه راه بصری تسلط بر آزمون دکترای علوم بلاغی (۱۴۰۴-۱۳۹۱)
(بر اساس تحلیل جامع ۴۲۰ سؤال)

مقصد نهایی: از «شناسایی صنعت» تا «تحلیل نظریه و تسلط بر آراء»

بخش اول: حوزه طلایی (اولویت اول و تمرکز اصلی)

۱. نظریه بلاغی و نقد (آراء و مکاتب)

- وزن آماری: ۳۰.۰٪ (۱۲۶ سؤال)
- توصیف: مهم ترین، پرتکرارترین و تعیین کننده ترین بخش آزمون. این بخش تفاوت اصلی آزمون دکتری با کارشناسی ارشد است.
- مباحث کلیدی (High-Yield):
 - نظریه نظم و آراء جرجانی: تسلط مطلق بر مبانی فکری عبدالقاهر جرجانی در دلائل الإعجاز و أسرار البلاغة.
 - آراء سکاکی و تفتازانی: درک عمیق دیدگاه های تفتازانی (در المطول و المختصر) و سکاکی (در مفتاح العلوم) و شناخت مسائل اختلافی میان این سه نظریه پرداز اصلی.

بخش دوم: حوزه های بسیار مهم (اولویت دوم)

۲. علم معانی (کاربرد پیشرفته)

- وزن آماری: ۲۳.۳٪ (۹۸ سؤال)
 - توصیف: دومین حوزه مهم، با تمرکز بر کاربردهای مفهومی و عمیق مبتنی بر منابعی چون المطول.
 - مباحث کلیدی (High-Yield):
 - قصر، فصل و وصل، ایجاز و اطناب: (مجموعاً ۱۳.۸٪ کل آزمون)
 - خبر و انشاء: تمرکز بر اغراض ثانویه و مباحث پیچیده ای استقام و تمنی (۹.۵٪ کل آزمون).
۳. علم بیان (کاربرد پیشرفته)
- وزن آماری: ۲۰.۰٪ (۸۴ سؤال)
 - توصیف: سومین حوزه مهم، با سؤالاتی که از سطح شناسایی فراتر رفته و به تحلیل های نظری (مانند ارتباط استعاره با نظریه نظم) می پردازند.
 - مباحث کلیدی (High-Yield):
 - استعاره و مجاز عقلی: (۱۰.۵٪ کل آزمون)
 - تشبیه (به ویژه تشبیهات عمیق) و کنایه: (۹.۵٪ کل آزمون)

بخش سوم: حوزه های ضروری (اولویت سوم)

۴. علم بدیع و عروض و قافیه

- وزن آماری: (مجموعاً ۲۶.۶٪)
- توصیف: این دو حوزه دارای وزن آماری یکسان و ثابت هستند و برای کسب نمره کامل، مطالعه آنها ضروری است.
- مباحث کلیدی (High-Yield):
 - عروض و قافیه: (۱۳.۳٪ یا ۵۶ سؤال) تسلط بر بحور، زحافات و قواعد قافیه. این بخش فنی ترین و قابل پیش بینی ترین بخش آزمون است.
 - علم بدیع: (۱۳.۳٪ یا ۵۶ سؤال) شناخت محسنات لفظی و معنوی (اغلب در سطح شناسایی ساده تر).

مسیر پیشنهادی مطالعه و کلید موفقیت (دوره دکتری)

آزمون دکترای زبان و ادبیات عرب ۱۴۰۴

علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع)



۱۴۳. صف المواصفات النفسية للمتکلم: عین الخطأ:

و لست بمُبد للرجال سریرتی و لا أنا عن أسرارهم بسوؤل

(۱) موضوع الإبداء كان له أهمّ ممّا یبدی و ممّن یبدی له!

(۲) الشاعر لا يتکلم عن ماضیه و مستقبله بل يتکلم عن الحاضر!

(۳) التقديم في المصراع الثاني و كيفية ائتلاف المفردات في المصراع الأول يُظهر أنّ أهمّ شيء هو الکتمان!

(۴) ينفي الشاعر عن نفسه ميزة كونه سوؤلاً لكنّه یثبت به قوّة مؤکداً للآخرین و هذا ممّا یستنبط من المصراع الثاني!

۱۴۴. ﴿إنّ الشیطان کان للرحمن عصياً﴾ عین الخطأ:

(۱) تنوین «عصياً» إشارة إلى عظم عصیان الشیطان و کثرته!

(۲) لم یکن المخاطب جاهلاً بالموضوع فلم یکن المتکلم یقصد الإخبار!

(۳) عدم تقديم «للهرحمن» على الفعل یرتبط بموضوع عامله حتّى لا یشتبه الفاهم!

(۴) نستبطن أنّ الشیطان کان هكذا من الأزل و هذا یستنبط من فعل الجملة و خبرها!

۱۴۵. عین الخطأ:

(۱) ﴿إنما علیک البلاغ و علینا الحساب﴾ = البلاغ مقصور على الرسول (مرجع ضمیر الخطاب) و المحاسبة على الله فلا یتوقع عن الآخرین القيام بهذین الأمرین!

(۲) ﴿ما توفیقی إلّا بالله﴾ = لم یکن المخاطب خالی الذهن فالتکلم یرید أن یغیر فکرته تجاه قضیة مصدریة الله تعالى فی کل شیء!

(۳) ﴿إنما نحن مصلحون﴾ = المتکلم یدعی أنّ جماعته لا یتصفون بصفة إلّا الإصلاح و موضوع الإفساد خارج عنهم!

(۴) ﴿إنما یتذکر أولوا الألباب﴾ = الآية بصدّد التعریض بأنّ المخاطبین لیسوا بأولی الألباب!

۱۴۶. عین جملة لم ترد عناصرها على أساس الأصل:

(۱) لا تکن أذنّا تتقبل کلّ وشایة!

(۲) قد تنکر العین ضوء الشمس من رمد!

(۳) خذ ماتراه و دَع شیئاً سمعت به!

(۴) و من قصد البحر استقلّ السواقیا!

۱۴۷. عین الصحيح لإكمال الفراغات على التوالی نظراً للآیة الکریمة التالية: ﴿و لا تقتلوا أولادکم خشية إملاقٍ نحنُ نرزقُهم و إياکم﴾

–الخطاب فی الآية بدلیل قوله، فإنّ الخشية إنّما تكون ممّا بعدد، فكان هو الأهمّ و

المطلوب عندهم.

(۱) للفقراء - خشية إملاقٍ - وقع - رزقُهم

(۲) للفقراء - لا تقتلوا - لم يقع - رزقُهم

(۳) للأغنياء - خشية إملاقٍ - لم يقع - رزقُ أولادهم

(۴) للأغنياء - لا تقتلوا - وقع - رزقُ أولادهم

۱۴۸. ﴿و جاؤوا على قميصه بدم كذب﴾ عین الخطأ:

(۱) المتکلم لم یکن یقصد إخبار شاکّ أو منکر فی مجال حدوث الخبر.

(۲) تقديم «على قميصه» للحصر أو للإشارة إلى عامله و هو «كذب» باعتباره مصدرأ.

(۳) كأنهم قد بالغوا فی زيفهم حيث إن الرائي بسهولة کان یتمیز الثّ عن السمین فی النظرة الأولى.

(۴) تقديم أحد المعمولين يدلّ أنهم أخفوا نواياهم خلف القميص فكانهم جعلوه علماً لأنفسهم اتكؤوا علیه.



۱۴۳. گزینه ۴)

مبحث: علم معانی ← احوال ارکان جمله ← تحلیل بلاغی ساختارهای اسمیه و فعلیه و تقدیم.
این سؤال به دنبال تشخیص تحلیل روانشناختی نادرست از شخصیت شاعر بر اساس ساختار بلاغی بیت است. گزینه ۴ تفسیری کاملاً اشتباه از مصراع دوم ارائه می‌دهد و به همین دلیل، گزینه خطا است.

- **تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۴):** این گزینه ادعا می‌کند که شاعر صفت «سَوُول» (بسیار پرسشگر) بودن را از خود نفی، اما آن را با قوت برای دیگران اثبات می‌کند. این تحلیل کاملاً نادرست است. ساختار «و لا أنا... بسَوُول» یک ساختار نفی مؤکد است که با حرف نفی «لا»، تقدیم ضمیر «أنا» و حرف جر زائده «باء» بر سر خبر، صفت پرسشگری را با نهایت تأکید از «خود شاعر» سلب می‌کند. هیچ عنصری در مصراع وجود ندارد که به اثبات این صفت برای دیگران اشاره داشته باشد. شاعر در هر دو مصراع، در حال توصیف شخصیت ثابت خود به عنوان فردی رازدار است؛ هم راز خود را فاش نمی‌کند و هم در پی راز دیگران نیست.
- **تحلیل سایر گزینه‌ها:**

- **گزینه ۱:** این تحلیل صحیح است. ساختار «لستُ بمُبدٍ» با تأکیدی که بر روی خبر (مُبدٍ) دارد، نشان می‌دهد که کانون توجه شاعر، خود «عمل ابراز و فاش کردن» است، و این برای او از اینکه چه چیزی را یا برای چه کسی فاش کند، اهمیت بیشتری دارد.

- **گزینه ۲:** این تحلیل نیز صحیح است. استفاده از جمله اسمیه (لستُ... / لا أنا...) به جای جمله فعلیه، بر «ثبوت» و «دوام» این صفات در شخصیت شاعر دلالت دارد، نه وقوع یک عمل در زمان خاص (گذشته یا آینده). این ویژگی ذاتی و همیشگی اوست.

- **گزینه ۳:** این تحلیل نیز صحیح است. در مصراع اول، محور کلام «سریره» (راز خود) و در مصراع دوم «أسرارهم» (راز دیگران) است. تقدیم «أنا» نیز بر محوریت خود شاعر در این کنش تأکید دارد. در مجموع، هر دو مصراع حول مفهوم محوری «کتمان» (راز داری) می‌چرخند.

نکته آموزشی (دلالت جمله اسمیه بر ثبوت):

یکی از کلیدی‌ترین مباحث علم معانی، تفاوت معنایی میان جمله اسمیه و فعلیه است. جمله فعلیه اصولاً برای بیان «حدوث و تجدد» (وقوع یک عمل در زمان) به کار می‌رود. اما جمله اسمیه، برای بیان «ثبوت و دوام» به کار می‌رود و نشان می‌دهد که یک حکم یا صفت، ویژگی‌ای پایدار و ذاتی برای مسندالیه است. انتخاب شاعر برای استفاده از جمله اسمیه در هر دو مصراع، برای تأکید بر این است که رازداری، جزئی جدایی‌ناپذیر از شخصیت اوست.

منابع:

- الجرجانی، عبدالقاهر. (بی‌تا). دلائل الإعجاز.
- درس‌نامه جامع بلاغت پیشرفته. (بخش اول، فصل دوم).

۱۴۴. گزینه ۳)

مبحث: علم معانی ← احوال ارکان جمله ← تقدیم و تأخیر.

این سؤال به دنبال تشخیص تحلیل بلاغی نادرست برای آیه شریفه است. گزینه ۳ تفسیری اشتباه از دلیل «عدم تقدیم» جار و مجرور «لِلرَّحْمَنِ» ارائه می‌دهد.

- **تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۳):** این گزینه ادعا می‌کند که عدم تقدیم «لِلرَّحْمَنِ» برای جلوگیری از اشتباه در فهم عامل آن است. این تحلیل نادرست است. در واقع، در این آیه می‌توانست جار و مجرور مقدم شود (إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلرَّحْمَنِ كَانِ عَصِيًّا) و این تقدیم، غرض بلاغی «اهتمام» به اسم «الرَّحْمَنِ» را نیز می‌رساند. اما قرآن کریم این کار را نکرده است. دلیل اصلی عدم تقدیم در اینجا، یک نکته بلاغی بسیار ظریف‌تر است: ذکر «كَانَ» بلافاصله پس از اسم «إِنَّ (الشَّيْطَانَ)، برای تأکید بر **اتصاف ذاتی و همیشگی** شیطان به صفت عصیان است. اگر «لِلرَّحْمَنِ» در میان آن دو فاصله می‌انداخت، این تأکید و اتصال قوی میان اسم و خبر تضعیف می‌شد.



• تحلیل سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: این تحلیل صحیح است. تنوین در «عصياً» که به آن «تنوین تعظیم و تفضیم» (یا در اینجا تحقیر) گفته می‌شود، بر بزرگی و شدت گناه شیطان دلالت دارد.
- گزینه ۲: این تحلیل نیز صحیح است. مخاطب این آیه (مانند حضرت ابراهیم) از عصیان شیطان آگاه است. پس هدف کلام، فائده‌الخبیر (اطلاع‌رسانی) نیست، بلکه اهدافی ثانویه مانند تذکر و تحذیر را دنبال می‌کند.
- گزینه ۴: این تحلیل نیز صحیح است. فعل «کان» در اینجا بر ثبوت و استمرار صفت «عصیان» برای شیطان از گذشته دلالت دارد و نشان می‌دهد که این ویژگی، ذاتی و ازلی اوست.

منابع:

- الزمخشری، محمود بن عمر. (۱۹۸۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل.
- أبو موسی، محمد محمد. (۱۹۹۲). خصائص التراکیب.

۱۴۵. گزینه ۱)

مبحث: علم معانی ← القصر ← تحلیل انواع قصر.

این سؤال به دنبال تشخیص تحلیل نادرست از میان چهار نمونه «قصر» است. گزینه ۱ در تحلیل آیه شریفه دچار خطای ظریفی در تعیین نوع قصر شده است.

- تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۱): در آیه «إنما علیک البلاغ»، خبر (علیک) بر مبتدا (البلاغ) مقدم شده است. در این نوع تقدیم، «قصر موصوف بر صفت» رخ می‌دهد، نه «قصر صفت بر موصوف». معنای آیه این است: «وظیفه تو فقط و فقط ابلاغ است (و نه مثلاً محاسبه یا اجبار به ایمان)». در اینجا، موصوف (پیامبر) بر صفت (ابلاغ کردن) مقصور شده است. اما تحلیل ارائه شده در گزینه ۱ می‌گوید: «ابلاغ، منحصر به پیامبر است». این معنای «قصر صفت بر موصوف» است که با ساختار آیه همخوانی ندارد. بنابراین، تحلیل ارائه شده در این گزینه نادرست است.

• تحلیل سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: این تحلیل صحیح است. قصر با «نفی و استثناء» معمولاً برای رد یک باور اشتباه در ذهن مخاطب به کار می‌رود. در اینجا، مخاطب احتمالاً برای توفیق خود، به اسباب دیگری نیز معتقد بوده و گوینده (حضرت شعیب) با این قصر، باور او را اصلاح کرده و توفیق را منحصر به خداوند نسبت می‌دهد.
- گزینه ۳: این تحلیل نیز صحیح است. قصر با «إنما» در این آیه، یک «قصر موصوف بر صفت» است و ادعای منافقان را به تصویر می‌کشد که خود را تنها دارای صفت «اصلاح‌گری» می‌دانند.
- گزینه ۴: این تحلیل نیز صحیح است. قصر «صفت بر موصوف» در این آیه (صفت تذکر، منحصر به خردمندان است)، به صورت ضمنی و از طریق «تعریض»، این پیام را به مخاطبان کافر می‌رساند که شما چون متذکر نمی‌شوید، از دسته خردمندان نیستید.

منابع:

- القزوینی، جلال‌الدین محمد. (۲۰۰۳). الإيضاح فی علوم البلاغة. (مبحث قصر).
- درس‌نامه جامع بلاغت پیشرفته. (بخش اول، فصل ششم، مبحث ۳.۲).

۱۴۶. گزینه ۲)

مبحث: علم بیان ← المجاز العقلي.

این سؤال به دنبال تشخیص جمله‌ای است که ارکان آن برخلاف ترتیب و اسناد اصلی و حقیقی به کار رفته باشد. گزینه ۲ تنها گزینه‌ای است که در آن «مجاز عقلی» رخ داده و فعل به فاعل حقیقی خود اسناد داده نشده است.

- تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۲): در عبارت «قد تنکر العین ضوء الشمس»، فعل «انکار کردن» (تنکر) به فاعل غیرحقیقی خود یعنی «العین» (چشم) نسبت داده شده است. فاعل حقیقی انکار، خود شخص بیمار است، نه عضوی از بدن او. در اینجا، اسناد فعل به «آلت» و ابزار آن صورت گرفته که یکی از علاقه‌های مشهور مجاز عقلی است. بنابراین، عناصر این جمله بر اساس اصل حقیقت (اسناد حقیقی) نیامده‌اند.



• تحلیل سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: ساختار «لا تکن أذنأ» یک تشبیه بلیغ است، اما اسناد در آن حقیقی است (تو گوش نباش).
- گزینه ۳: در هر دو جمله «خذ ما تراه» و «دع شيئاً سمعت به»، افعال به فاعل حقیقی خود (ضمیر مستتر أنت) اسناد داده شده‌اند.
- گزینه ۴: در این جمله نیز فعل «استقلّ» (کوچک شمرد) به فاعل حقیقی خود (مَنْ قصد البحر) اسناد داده شده است.

منابع:

- الهاشمی، أحمد. (بی‌تا). جواهر البلاغة. (مبحث مجاز عقلی).
- درس‌نامه جامع بلاغت پیشرفته. (بخش دوم، فصل دوم، مبحث ۲.۲).

۱۴۷. گزینه ۳

مبحث: علم معانی ← تحلیل بافت و مقتضای حال.

این سؤال، یک تحلیل دقیق از بافت آیه و ارتباط میان اجزای آن را طلب می‌کند. گزینه ۳ تمام جاهای خالی را به صورت منطقی و صحیح تکمیل می‌کند.

• تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۳):

- الخطاب للأغنياء: خطاب آیه به ثروتمندان است. دلیل آن کلمه «خشية» (از ترس) است. ترس، مربوط به امری است که هنوز رخ نداده اما وقوع آن در آینده محتمل است. این حالت ثروتمندانی است که در حال حاضر فقیر نیستند، اما می‌ترسند که با آمدن فرزندان، در آینده فقیر شوند. (در مقابل، در آیه دیگر که می‌فرماید «من إِملاق»، خطاب به فقر است که از فقر موجود رنج می‌برند).
- بدليل قوله خشية إِملاق: این عبارت، دلیل اصلی برای تشخیص مخاطب است.
- فَإِنَّ الْخَشْيَةَ إِنَّمَا تَكُونُ مِمَّا لَمْ يَقَعْ بَعْدَ: ترس، مربوط به امری است که هنوز واقع نشده است.
- فَكَانَ رِزْقُ أَوْلَادِهِمْ هُوَ الْأَهَمُّ: از آنجا که این افراد نگران آینده و روزی فرزندان‌شان هستند، خداوند با مقدم داشتن ضمیر «هم» (نرزقهم و إياكم)، ابتدا به دغدغه اصلی آنها یعنی «روزی فرزندان‌شان» پاسخ می‌دهد و به آنها اطمینان می‌بخشد.

- تحلیل سایر گزینه‌ها: این گزینه‌ها در یک یا چند بخش دچار اشتباه هستند. گزینه‌های ۱ و ۲ مخاطب را به اشتباه «فقر» تشخیص داده‌اند. گزینه ۴ نیز «خشيت» را مربوط به امری که «واقع شده» می‌داند که نادرست است. نکته آموزشی (تقديم برای اهتمام):

در آیه مشابه «نحن نرزقكم و إياهم»، خطاب به فقر است که دغدغه اصلی‌شان روزی خودشان است؛ لذا ضمیر «کم» مقدم شده. اما در آیه مورد بحث، خطاب به اغنیاست که دغدغه اصلی‌شان روزی فرزندان‌شان است؛ لذا ضمیر «هم» مقدم شده است. این تقدیم و تأخیر ظریف، نمونه‌ای از رعایت «مقتضای حال» و اهتمام به دغدغه اصلی مخاطب است.

منابع:

- الزمخشري، محمود بن عمر. (۱۹۸۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل.
- درس‌نامه جامع بلاغت پیشرفته. (بخش اول، فصل چهارم، مبحث تقدیم).

۱۴۸. گزینه ۲

مبحث: علم معانی ← احوال ارکان جمله ← تقدیم و تأخیر.

این سؤال به دنبال تشخیص تحلیل بلاغی نادرست در مورد آیه شریفه است. گزینه ۲ تفسیری اشتباه از دلیل تقدیم جار و مجرور «علی قمیصه» ارائه می‌دهد.

- تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۲): این گزینه ادعا می‌کند که تقدیم «علی قمیصه» برای «حصر» یا اشاره به عاملش یعنی «کذب» است. هر دوی این تحلیل‌ها نادرست است. تقدیم در اینجا افاده حصر نمی‌کند، زیرا معنا این نیست که «فقط بر روی پیراهنش» خون آوردند و نه جای دیگر. همچنین «علی قمیصه» متعلق به فعل «جاؤوا» است، نه مصدر «کذب». دلیل اصلی تقدیم در اینجا،



الإهتمام بالمتقدم است؛ «پیراهن» محور اصلی داستان و تنها مدرک و نشانه برادران یوسف بود. با مقدم کردن آن، توجه شنونده از ابتدا به این عنصر کانونی جلب می‌شود.

• تحلیل سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: این تحلیل صحیح است. گوینده (خداوند) در حال گزارش یک واقعه است و مخاطب اولیه (پیامبر) خالی الذهن است. پس کلام به صورت ابتدایی و بدون تأکید آمده است.
- گزینه ۳: این یک استنباط لطیف و صحیح است. وصف کردن خون به «کذب» (به جای کاذب)، مبالغه‌ای است که نشان می‌دهد جوهره آن خون، دروغ بود و هر بیننده‌ای به سادگی می‌توانست به جعلی بودن آن پی ببرد.
- گزینه ۴: این تحلیل نیز صحیح است. تمرکز و تکیه برادران بر «پیراهن» به عنوان تنها مدرکشان، نشان می‌دهد که آنها تمام نقشه خود را بر این شاهد دروغین بنا کرده بودند.

منابع:

- أبو موسی، محمد محمد. (۱۹۹۲). خصائص التراکیب.
- درس‌نامه جامع بلاغت پیشرفته. (بخش اول، فصل چهارم، مبحث ۲.۲.۳).

۱۴۹. گزینه ۲)

مبحث: علم بیان ← التشبيه ← ارکان تشبیه.

این سؤال، به دنبال نقد تشبیه به کار رفته در بیت و یافتن عیب اصلی آن است. گزینه ۲ به درستی این عیب را «عدم تحقق وجه شبه در مشبه‌به» تشخیص می‌دهد.

- تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۲): در این بیت، شاعر حالت خود را (که بی‌گناه مجازات می‌شود) به «انگشت سبابه فرد پشیمان» تشبیه کرده است. فرد پشیمان، از شدت ندامت، انگشتان خود را به دندان می‌گزد و معمولاً این انگشت سبابه است که گزیده می‌شود. وجه شبه در اینجا، «مجازات شدن در حالی که گناه از دیگری است» می‌باشد. این وجه شبه در «مشبه» (شاعر) کاملاً محقق است. اما در «مشبه‌به» (انگشت سبابه)، این وجه شبه وجود ندارد. انگشت سبابه، خود گناهی نکرده، اما این «فرد پشیمان» است که گناهکار است. بنابراین، انگشت، بی‌گناهی است که توسط خودِ گناهکار (فرد پشیمان) مجازات می‌شود. پس وجه شبه در مشبه‌به محقق نیست. این یکی از عیوب تشبیه است.

• تحلیل سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱، ۳ و ۴: این گزینه‌ها به درستی عیب تشبیه را بیان نمی‌کنند. مشکل اصلی، عدم وجود وجه شبه در مشبه‌به است، نه برابری یا عقلی بودن آن.

نکته آموزشی (شروط وجه شبه):

برای آنکه یک تشبیه، بلیغ و صحیح باشد، «وجه شبه» باید دارای شروطی باشد، از جمله:

- باید صفتی باشد که در هر دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه‌به) وجود داشته باشد.
- باید در مشبه‌به، قوی‌تر، روشن‌تر و شناخته‌شده‌تر از مشبه باشد.
- اگر وجه شبه در یکی از طرفین وجود نداشته باشد، تشبیه معیوب خواهد بود.

منابع:

- کتب تخصصی بلاغت (مبحث عیوب تشبیه).
- درس‌نامه جامع بلاغت پیشرفته. (بخش دوم، فصل اول، مبحث ۱.۱).

۱۵۰. گزینه ۲)

مبحث: علم بیان ← حقیقت و مجاز.

این سؤال به دنبال تشخیص آیه‌ای است که در آن «مجاز» به کار نرفته و کلام بر معنای «حقیقی» خود حمل می‌شود. گزینه ۲ تنها گزینه‌ای است که فاقد مجاز است.



- تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۲): در آیه «یا ایها النبی اتق الله و لا تطع الکافرین»، تمام کلمات در معنای حقیقی و اصلی خود به کار رفته‌اند. «تقوا» به معنای حقیقی پرهیزکاری، «اطاعت» به معنای حقیقی پیروی، و «کافرین» نیز به معنای حقیقی خود هستند. این یک امر و نهی حقیقی و مستقیم است.

• تحلیل سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: در «فولّ وجهک»، «وجه» مجاز مرسل با علاقه «جزئیّه» است و منظور، کل وجود و ذات پیامبر است.
- گزینه ۳: در «و جعلنا النهار معاشا»، «النهار» (روز) که «زمان» است، به عنوان ظرف معاش (محل کسب و کار) به کار رفته که نوعی مجاز مرسل با علاقه «زمانیه» یا تشبیه بلیغ (روز مانند محل معاش است) است.
- گزینه ۴: در «اهدنا الصراط المستقیم»، «الصراط المستقیم» (راه راست) استعاره تصریحیه از «دین اسلام» است.

منابع:

- الهاشمی، أحمد. (بی تا). جواهر البلاغة. (مبحث حقیقت و مجاز).
- درس‌نامه جامع بلاغت پیشرفته. (بخش دوم، مقدمه).

۱۵۱. گزینه ۱)

مبحث: علم بیان ← مجاز مرسل و استعاره.

این سؤال به دنبال تشخیص تحلیل بلاغی نادرست از میان گزینه‌هاست. گزینه ۱ به اشتباه، کلمات «أعمی» و «صمم» را استعاره مکنیه دانسته است.

- تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۱): در این بیت، «أعمی» و «صمم» (کری) در معنای مجازی به کار رفته‌اند، اما این مجاز از نوع مجاز مرسل است، نه استعاره مکنیه. شاعر ادعا می‌کند که ادب او آنقدر روشن است که حتی فرد کور نیز آن را می‌بیند و کلماتش آنقدر رساست که فرد کر هم آن را می‌شنود. در اینجا، «أعمی» به معنای «بصیر» (بینا) و «صمم» به معنای «سمیع» (شنوا) به کار رفته است. علاقه میان کوری و بینایی، «تضاد» است که یکی از علاقه‌های مجاز مرسل محسوب می‌شود. استعاره مکنیه‌ای در کار نیست.

• تحلیل سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: این تحلیل صحیح است. افعال «نظر» (دید) و «أسمعت» (شنواند) قرینه‌های لفظی هستند که مانع از اراده معنای حقیقی کلمات «أعمی» و «صمم» می‌شوند.
- گزینه ۳: این تحلیل نیز محتمل است. «ادب» سبب «نظر» و «کلمات» سبب «شنیدن» شده‌اند.
- گزینه ۴: این تحلیل، همانطور که در بالا ذکر شد، صحیح است و نوع مجاز را به درستی مجاز مرسل تشخیص داده است.

منابع:

- درس‌نامه جامع بلاغت پیشرفته. (بخش دوم، فصل دوم، مبحث ۲.۱.۲).
- کتب تخصصی بلاغت (مبحث مجاز مرسل و علاقه تضاد).

۱۵۲. گزینه ۱)

مبحث: علم بیان ← الکنایة والاستعارة.

این سؤال به دنبال تشخیص بیتی است که در آن «کنایه» به کار نرفته باشد. گزینه ۱ فاقد کنایه است و در آن از استعاره استفاده شده است.

- تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۱): در مصراع دوم «يَنشَبُ في المني ظُفري و نابي» (چنگال و دندان نیشم در آرزو فرو رود)، شاعر «آرزو» (المنی) را به یک شکار یا جسمی تشبیه کرده که می‌توان در آن چنگال فرو برد. این یک استعاره مکنیه است که در آن، مشبیه به (شکار) حذف و یکی از لوازم آن (چنگال و دندان فرو بردن) به مشبه (آرزو) نسبت داده شده است. همچنین «اللیالی» (شب‌ها) به انسانی تشبیه شده که مطاوعت می‌کند که این نیز استعاره مکنیه است.



• تحلیل سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: «بسطهم حریر» کنایه از صفت «عزت و ثروت» و «بسطهم تراب» کنایه از صفت «ذلت و خواری» است.
- گزینه ۳: «من فی کفه قنّاء» (کسی که در دستش نیزه است) کنایه از موصوف «مردان جنگجو» و «من فی کفه خضاب» (کسی که در دستش حناست) کنایه از موصوف «زنان» است.
- گزینه ۴: این بیت یک گزاره حکیمانه است و می‌توان کل آن را کنایه‌ای از این دانست که «بخشش همراه با منت، بی‌ارزش است».

منابع:

- الهاشمی، أحمد. (بی‌تا). جواهر البلاغة. (مبحث کنایه و استعاره).
- درس‌نامه جامع بلاغت پیشرفته. (بخش دوم، فصل سوم).

گزینه ۲. ۱۵۳

مبحث: علم بدیع ← محسنات معنوی ← الإِصَاد (التسهیم).

- این سؤال به دنبال تشخیص آرایه‌ای است که به ما در پیش‌بینی کلمه قافیه کمک می‌کند. این آرایه، إِرصاد یا تسهیم نام دارد.
- تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۲): إِرصاد به این معناست که گوینده، قبل از آوردن کلمه قافیه، در ضمن کلام خود، کلمات یا قرائنی را می‌آورد که مخاطبِ هوشمند می‌تواند از طریق آنها، کلمه قافیه را حدس بزند. در این بیت، شاعر در مصراع اول از دو فعل «أَحَلَّتْ» (حلال کردی) و «حَرَمَتْ» (حرام کردی) استفاده کرده است. سپس در مصراع دوم، در مقابل «بِمُحَلِّلٍ» که از ریشه حلال است، مخاطب انتظار دارد که کلمه قافیه، از ریشه حرام باشد. بنابراین، کلمه «بحرام» بهترین گزینه برای تکمیل بیت است و آرایه‌ای که این پیش‌بینی را ممکن می‌سازد، «إِرصاد» است.

• تحلیل سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱ و ۳ و ۴: این آرایه‌ها با ساختار و هدف سؤال تناسبی ندارند. رد العجز تکرار کلمه است و تشابه اطراف به تناسب کلمات می‌پردازد.

نکته آموزشی (آرایه إِرصاد):

إِرصاد (که به آن تسهیم نیز گفته می‌شود) از آرایه‌هایی است که هم جنبه معنوی و هم لفظی دارد. این آرایه نشان‌دهنده تسلط شاعر بر کلام است، به گونه‌ای که کلام او به صورت طبیعی به سمت قافیه مورد نظر حرکت می‌کند و مخاطب را در این کشف، با خود همراه می‌سازد.

منابع:

- کتب تخصصی علم بدیع (مبحث إِرصاد یا تسهیم).
- ابن المعتز، عبدالله. (۱۹۸۲). کتاب البدیع.

گزینه ۳. ۱۵۴

مبحث: علم عروض و اوزان شعر عربی.

- این سؤال به دنبال تشخیص بیتی است که از نظر وزنی، صحیح و بدون اشکال باشد. با تقطیع عروضی گزینه‌ها، مشخص می‌شود که تنها گزینه ۳ دارای وزنی سالم و صحیح (در بحر کامل) است.

• تحلیل گزینه صحیح (گزینه ۳):

- تقطیع: وَ أَجْزِ أَمِيرٍ لِلَّذِي نَعْمَاهُ فَاجِئْتَنُ / بَغَيْرِ لَقَوْلٍ وَ نَعْمًا لَّنَا سِ أَقْوَالُ
- هجاها: ل - - - - ل / - - ل - - - - ل // ل - - - - ل / - - ل - - - - ل - ل -
- افاعیل: مُتَفَاعِلُنْ مُتَفَاعِلُنْ مُتَفَاعِلُ // مُتَفَاعِلُنْ مُتَفَاعِلُنْ مُتَفَاعِلُ
- این وزن، یکی از اوزان رایج بحر کامل است که نشان از صحت بیت دارد.



• تحلیل سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: در مصراع دوم «لَا مُتَنَعْتُ عَيْنِي عَنِ الْغُمُضِ» وزن دچار شکستگی و اختلال است.
- گزینه ۲: در مصراع اول «اَسْتَوَى النَّاسُ وَ مَاتَ الْكَمَالُ» وزن دچار شکستگی است.
- گزینه ۴: در مصراع اول «عَلَا مَا يَسْتَقِرُّ الْمَالُ فِيهِ» وزن دچار شکستگی شدید است.

منابع:

- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۸). آشنایی با عروض و قافیه.
- کتب تخصصی علم عروض.

پیوست ها

- درسنامه جامع (براساس پاسخنامه ها)
- تست های تالیفی با احتمال بسیار زیاد تکرار در آزمون های آتی
- راهنمای خطاهای متداول و نکات کلیدی در تحلیل بلاغی
- معرفی اجمالی شخصیت ها، موضوعات و منابع کلیدی
- واژه نامه و شرح اصطلاحات تخصصی
- نمایه index

درس نامه جامع علم معانی: مبحث تقدیم و تأخیر (جابجایی ارکان)

مقدمه: اصل ترتیب و فلسفه عدول از آن

در زبان عربی، هر یک از ارکان جمله (مسندالیه، مسند، متعلقات فعل) جایگاهی اصلی و طبیعی دارند. برای مثال، در جمله اسمیه، اصل بر تقدم مسندالیه (مبتدا) بر مسند (خبر) است و در جمله فعلیه، اصل بر تقدم فعل بر فاعل و سپس مفعول است. این ترتیب، حالت معیار و پیش فرض کلام است.

اما بلاغت، هنر «عدول» یا انحراف هوشمندانه از هنجارهای رایج برای دستیابی به اهداف والاتر است. هرگاه گوینده‌ای بلیغ این ترتیب اصلی را بر هم می‌زند و رکنی را مقدم یا مؤخر می‌کند، این جابجایی هرگز تصادفی نیست، بلکه برای القای معنایی ثانویه و غرضی بلاغی صورت می‌گیرد که در کلام عادی و معیار وجود ندارد. درک این اغراض، کلید اصلی تحلیل بلاغی جمله و از مهم‌ترین مهارت‌های مورد سنجش در آزمون دکتری است.

بخش اول: تقدیم مسندالیه (مبتدا یا فاعل)

اصل در مسندالیه، تقدم بر مسند (در جمله اسمیه) یا تأخر از فعل (در جمله فعلیه) است. مقدم کردن آن بر مسند (در جمله اسمیه) یا بر فعل (در جمله فعلیه)، می‌تواند اغراض زیر را در بر داشته باشد:

۱. تخصیص (قصر)

این مهم‌ترین و پرتکرارترین غرض است. تفاوت میان «ما فعلت» و «ما أنا فعلت» بسیار کلیدی است:

- «ما فعلت» (نفی فعل): در این حالت، اصل «فعل» نفی می‌شود. مخاطب در مورد وقوع یا عدم وقوع فعل شک دارد.
- «ما أنا فعلت» (نفی فاعلیت): در این حالت، وقوع فعل برای مخاطب امری قطعی است، اما در مورد «فاعل» آن اشتباه کرده است. گوینده با مقدم کردن «أنا»، فاعلیت را از خود نفی و به صورت ضمنی به دیگری نسبت می‌دهد. این همان **قصر** است.

۲. تقوية الحكم و تقريره (تقویت و تثبیت حکم)

گاهی تقدیم مسندالیه صرفاً برای تأکید بیشتر و تثبیت حکم در ذهن مخاطب است، به‌ویژه در مقام فخر و مباهات.

- مثال: در بیت متنبی «أنا الذي نَظَرَ الأعمى إلى أدبي...»، شاعر با مقدم کردن ضمیر «أنا»، با قاطعیت و تأکید، این افعال خارق‌العاده را به خود نسبت می‌دهد و حکم را در ذهن مخاطب تقویت می‌کند.

۳. تعجيل المسرة أو المساءة (تسریع در خبر خوش یا ناخوش)

اگر مسندالیه حامل خبر خوش یا ناخوشایندی باشد، گوینده برای شاد کردن یا ترساندن سریع مخاطب، آن را در ابتدای کلام می‌آورد.

- مثال: «عفو من الأمير صدر» (برای تعجیل مسرت) و «القصاص حكم القاضي» (برای تعجیل خبر ناخوشایند).

۴. التبرک و التلذذ (متبرک شدن و لذت بردن)

مقدم کردن نامی مقدس برای تبرک جستن یا نامی محبوب برای لذت بردن از ذکر آن.

- مثال: در آیه (اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ)، تقدیم نام جلالت «الله» می‌تواند برای تبرک جستن به وسیله آغاز کلام با نام او باشد.

بخش دوم: تقدیم مسند (خبر)

اصل در مسند (خبر)، تأخر از مسندالیه (مبتدا) است. مقدم کردن آن می‌تواند اغراض زیر را داشته باشد:

۱. تخصیص (قصر)

این نیز رایج‌ترین غرض برای تقدیم خبر است، به‌ویژه زمانی که خبر، شبه جمله (جار و مجرور یا ظرف) باشد. تفاوت معنایی میان «الملك له» و «له الملك» بسیار مهم است:

- «الملك له»: یک جمله خبری ساده است که صرفاً بر «ثبوت مالکیت» برای او دلالت دارد.
- «له الملك»: با تقدیم خبر «له»، معنای **قصر و انحصار** ایجاد می‌شود: «مالکیت، فقط و فقط از آن اوست و از غیر او نفی می‌شود». این ساختار بلیغ‌تر و مؤکدتر است.

- مثال: (لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ).

۲. التشويق إلى المتأخر (ایجاد اشتیاق به بخش مؤخر)

گاهی خبر به گونه‌ای مقدم می‌شود که ذهن مخاطب را برای شنیدن مبتدای مؤخر، که معمولاً امری شگفت و مهم است، کنجکاو و مشتاق می‌کند.



- مثال: در بیت «لَهُ هِمَمٌ لَا مُنْتَهَى لِكِبَارِهَا...»، شاعر با آوردن «له» در ابتدا، ذهن مخاطب را آماده شنیدن چیزی شگفت در مورد ممدوح می‌کند و سپس با ذکر «همم»، آن را آشکار می‌سازد.
۳. التفاضل (فال نیک زدن)
مقدم کردن خبری که معنای خوبی دارد تا در ابتدای کلام، امید و خوش‌بینی ایجاد کند.
- مثال: در عبارت «فی سلامة أنا»، تقدیم «فی سلامة» می‌تواند برای تفاؤل و تعجیل خبر خوش باشد.
- ۴. التنبيه علی أنه خبر لا نعت (آگاه کردن به اینکه خبر است نه صفت)
زمانی که مبتدا نکره است و خبر آن شبه‌جمله، اگر خبر مؤخر شود، ممکن است با صفت اشتباه گرفته شود. تقدیم خبر این ابهام را برطرف می‌کند.

بخش سوم: تقدیم متعلقات فعل (مفعول، جار و مجرور، حال و...)

- اصل در متعلقات، تأخر از عامل خود (فعل) است. مقدم کردن آن‌ها از رایج‌ترین و مهم‌ترین اسالیب بلاغی است.
۱. القصر و التخصیص
این غرض، مهم‌ترین و پرتکرارترین دلیل تقدیم متعلقات است.
 - مثال: (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ). تقدیم مفعول «إياک»، عبادت و استعانت را منحصرأ به خداوند اختصاص می‌دهد.
 - مثال: (عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ). تقدیم جار و مجرور، توکل را منحصرأ بر پروردگارشان مقصور می‌کند.
 ۲. الاهتمام و العناية (اهمیت دادن و توجه ویژه)
گاهی گوینده برای جلب توجه مخاطب به یک جزء خاص از کلام و بیان اهمیت آن، آن را مقدم می‌کند.
 - مثال: (فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ). تقدیم مفعول «الیتیم»، برای تأکید بر لزوم توجه ویژه به او و رعایت حالش است.
 ۳. مراعاة الفاصلة (هماهنگی با پایان آیات)
در قرآن کریم، گاهی تقدیم صرفاً برای ایجاد هماهنگی موسیقایی و تناسب با پایان آیات قبل و بعد (فواصل) صورت می‌گیرد.
 - مثال: (...ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوَةٌ). تقدیم «الجحیم» علاوه بر تهویل (ترسناک جلوه دادن)، با آهنگ کلمات «فَعْلَوَةٌ» در آیه قبل هماهنگی ایجاد می‌کند.

نکته پایانی و استراتژی پاسخ‌گویی:

- در تحلیل سوالات تقدیم و تأخیر، همواره دو گام اساسی را طی کنید:
- گام اول: مشخص کنید که تقدیم جاذب (بلاغی) است یا واجب (نحوی). اگر واجب باشد، معمولاً غرض بلاغی مستقلاً ندارد.
- گام دوم: اگر تقدیم جاذب است، با توجه به سیاق کلام (مدح، ذم، فخر، تهدید و...) و ساختار جمله، دقیق‌ترین غرض بلاغی را از میان گزینه‌ها انتخاب کنید. به خاطر داشته باشید که «تخصیص» و «اهتمام» پرتکرارترین اغراض هستند.

درس نامه جامع علم معانی: خبر و انشاء (اغراض ثانویه و اضرب خبر)

۱. مقدمه و مفاهیم بنیادی

کلام در تقسیم‌بندی اولیه به دو نوع خبر و انشاء تقسیم می‌شود.

- **خبر (جمله خبری):** کلامی است که ذاتاً قابلیت صدق و کذب دارد؛ یعنی می‌توان گوینده آن را راستگو یا دروغگو دانست. هدف اصلی خبر، یکی از دو مورد زیر است:
 - **فائده الخبر:** آگاه کردن مخاطبی که از محتوای خبر بی‌اطلاع است.
 - **لازم الفائدة:** آگاه کردن مخاطب از اینکه گوینده نیز از محتوای خبر مطلع است (در صورتی که مخاطب از قبل آن را بداند).
- **انشاء (جمله انشایی):** کلامی است که ذاتاً قابلیت صدق و کذب ندارد، زیرا در لحظه بیان، معنایی را به وجود می‌آورد و از واقعیتی خبر نمی‌دهد. انشاء خود به دو دسته تقسیم می‌شود:
 - **انشاء طلبی:** گوینده طلب و درخواستی را مطرح می‌کند که در زمان طلب، حاصل نشده است. این دسته شامل **امر**، **نهی**، **استفهام**، **تمنی** و **نداء** است.
 - **انشاء غیر طلبی:** کلامی که متضمن طلب نیست، مانند مدح و ذم، تعجب، قسم و صیغه‌های عقود.

جایگاه و اهمیت مبحث:

اهمیت این مبحث در فراتر رفتن از معنای ظاهری و وضعی کلام است. بلاغت حقیقی زمانی متجلی می‌شود که گوینده از این ساختارهای خبری و انشایی برای القای معانی ثانویه و اهدافی فراتر از معنای اصلی‌شان استفاده کند. این «اغراض بلاغی» که از «مقتضای حال» (بافت کلام، رابطه گوینده و مخاطب، و شرایط زمانی و مکانی) فهمیده می‌شوند، هسته اصلی سوالات این بخش را در آزمون دکتری تشکیل می‌دهند.

۲. تحلیل رویکرد آزمون در این مبحث

تحلیل سوالات آزمون‌های دکتری نشان می‌دهد که تمرکز طراحان سوال تقریباً به طور کامل بر **اغراض ثانویه اسالیب انشایی طلبی** (به‌ویژه استفهام، امر، نهی و نداء) و **اغراض ثانویه خبر** است. رویکرد آزمون به هیچ وجه حافظه‌محور نیست؛ داوطلب باید توانایی تحلیل دقیق یک آیه یا بیت شعر و کشف نیت پنهان گوینده را داشته باشد. سوالات اغلب در قالب «عیّن الخطأ» طراحی می‌شوند که نیازمند ارزیابی دقیق هر چهار گزینه و تسلط بر تفاوت‌های ظریف میان اغراض مختلف است. همچنین، مبحث «اضرب خبر» (انواع خبر بر اساس حالت ذهنی مخاطب) و موارد «خروج کلام از مقتضای ظاهر» از دیگر نقاط تمرکز آزمون است که قدرت داوطلب در تحلیل روانشناختی مخاطب را می‌سنجد.

۳. نکات کلیدی و پرتکرار از دل آزمون‌ها

- **استفهام:** پرتکرارترین اسلوب انشایی در سوالات است. تسلط بر اغراض زیر حیاتی است:
 - **تقریر:** وادار کردن مخاطب به اقرار (معمولاً با همزه + نفی می‌آید: أَلَمْ).
 - **انکار:** انکار وقوع یک امر یا سرزنش آن (مانند أغیر الله تدعون).
 - **تمنی:** آرزوی امری محال یا بعید در قالب سوال.
 - **تعجب:** ابراز شگفتی از یک وضعیت نامتعارف (مال هذا الرسول...).
 - **تشویق:** برانگیختن کنجکاوی مخاطب برای شنیدن خبری مهم (هل أدلکم...).
 - **توبیخ:** سرزنش مخاطب برای انجام کاری ناشایست (أستبدلون الذی هو أدنی...).
- **امر و نهی:** تشخیص غرض این دو، کاملاً به رابطه گوینده و مخاطب بستگی دارد:
 - از مقام **اعلی** به **ادنی** (بالا تر به پایین تر): امر و نهی حقیقی یا اغراضی چون **تعجیز** (ناتوان ساختن)، **تهدید**، **ارشاد** و....
 - از مقام **ادنی** به **اعلی** (پایین تر به بالاتر): همیشه به معنای **دعاء** است.
 - از **هم‌رتبه** به **هم‌رتبه**: به معنای **التماس** است.
- **اغراض ثانویه خبر:** خبر می‌تواند برای اهدافی فراتر از اطلاع‌رسانی به کار رود، مانند: